

رابطه بین تسهیلات طرح‌های زودبازده بانک کشاورزی با اشتغال زایی

علی نمازیان (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رفسنجان)

علیرضا برزیده (کارمند دایره وصول مطالبات بانک کشاورزی - شعبه مرکزی رفسنجان)

اشاره

چندی پیش، وزیر کار و امور اجتماعی به تسهیلات ۱۱ هزار میلیارد تومانی مصوب شورای عالی اشتغال برای پرداخت به طرح‌های نیمه تمام بنگاه‌های زودبازده اشاره کرد و این تسهیلات را جزو تسهیلات تکلیفی دانست. برخی از صاحب‌نظران این اظهارات را واکنشی به گفته‌های رییس کل بانک مرکزی تلقی کردند که تسهیلات اشتغال را غیر تکلیفی و پرداخت آن را در گرو افزایش سرمایه بانک‌ها اعلام کرده بود. این مناقشه بر سر تکلیفی بودن یا نبودن اعتبارات اشتغال زایی از طریق بنگاه‌های زودبازده، فرصتی بود تا مروری کنیم بر عملکرد این تسهیلات، به ویژه از لحاظ اشتغال زایی در بخش کشاورزی.

بانک و اقتصاد

چکیده

به علت وجود جمعیت جوان تحصیل کرده جویای کار و همچنین نیروی کار عظیمی که به خاطر محدودیت‌های موجود بیکار مانده‌اند، با روی کار آمدن دولت نهم برای ساماندهی به این بخش از جامعه، سعی و تلاش بسیاری صورت پذیرفت تا با اجرای طرح‌های زودبازده از محل منابعی که دولت در اختیار آنها قرار می‌دهد و همه منابعی که بانک‌ها به صورت تکلیفی باید در اختیار این طرح‌ها می‌گذاشتند، سبب اشتغال زایی مناسبی برای این نسل از کشورمان گردد. هدف از انجام این تحقیق، بررسی رابطه بین تسهیلات طرح‌های زودبازده اشتغال زای بانک کشاورزی با ایجاد اشتغال و همچنین بررسی توجیه اقتصادی طرح‌های زودبازده کارآفرینی است. با توجه به مطالب عنوان شده، تحقیقی به صورت توصیفی از نوع همبستگی و پیمایشی پیرامون طرح‌های زودبازده بانک کشاورزی در رابطه با اشتغال زایی در بین کارآفرینانی که با این بانک در ارتباط بوده‌اند، صورت پذیرفته و نتایج حاصل از جمع‌آوری داده‌ها از کارآفرینان می‌باشد که برای اجرای طرح‌های زودبازده خود از تسهیلات بانک کشاورزی استفاده کرده‌اند. این واحدها و همچنین کارکنان اداره کار مرتبط با این کارآفرینان، به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از تحقیق، نشان دهنده آن است که بین تسهیلات طرح‌های زودبازده بانک کشاورزی و ایجاد اشتغال رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین از دیدگاه کارآفرینان، طرح‌های زودبازده بانک کشاورزی توجیه اقتصادی دارند، حال آنکه از نظر کارکنان اداره کار، توجیه اقتصادی ندارند.

واژه‌های کلیدی: تسهیلات - طرح‌های زودبازده - اشتغال زایی - کارآفرین.

ژوزف شومپیتر به
علت ارایه نظریه
توسعه اقتصادی
و تأکید بر نقش
محوری کارآفرینان
در ایجاد سود،
به عنوان "پدر
کارآفرینی" شناخته
شده است.

مقدمه

مبنتی بر بخش خصوصی تحقق نیافته و همواره بخش دولتی به صورت یک رقیب قدرتمند مانع از تحقق کامل آن شده است، ضمن این که استراتژی اشتغال پایدار با بخش خصوصی هم در اغلب موارد درست طراحی نشده است. به عنوان مثال، در مقطعی از زمان به تمام متقاضیان بیکار با ارایه یک گواهی فنی و حرفه‌ای، سی میلیون ریال تسهیلات پرداخت می‌شد و هیچ‌گونه نظارتی بر نحوه هزینه آن نبود، چون مبلغ ناچیز بود و اساساً به شغل منجر نمی‌گشت و همین امر سبب گردید که آن تسهیلات ناچیز بیشتر به سمت بخش خدمات کاذب هدایت و

موضوع اشتغال، یکی از مهمترین مسایل مورد توجه برنامه‌ریزان همه ممالک و از فاکتورهای مهم ارزیابی توسعه یا عدم توسعه کشورها به حساب می‌آید. این استراتژی در کشور جمهوری اسلامی ایران که یکی از جوانترین کشورها به لحاظ هرم سنی جمعیت است، طی سال‌های گذشته دستخوش تغییرات زیادی شده و از نظام اشتغال زایی غیر کارآمد دولتی به سمت اشتغال زایی بر پایه بخش تعاونی و خصوصی حرکت کرده است. اما طی این سال‌ها هیچگاه آرمان‌های اشتغال زایی

باعث تورم در آن بخش شوند. عمده افرادی هم که تسهیلات مزبور را دریافت می نمودند، معمولاً خود شاغل بودند و افراد نیازمند و بیکار از این تسهیلات استفاده نمودند.

با شروع کار دولت جدید، موضوع دیگری در ادبیات اقتصادی کشور مطرح شد و در سریعترین زمان جایگاه ویژه‌ای در بحث اشتغالزایی پیدا نمود و آن هم موضوع اشتغال بر پایه بنگاه های کوچک زودبازده و کارآفرین بود. سپس با عنایت و توجه ویژه دولت به این امر، اعتبارات لازم به استان ها ابلاغ و از آنها خواسته شد تا اشتغالزایی را براساس این رویکرد پیگیری و محقق نمایند. البته سقف تسهیلات تا ۱۰ میلیارد ریال بود و تمام بنگاه‌هایی را که حداقل دو شغل و بیشتر ایجاد می نمایند، شامل می شد. با توجه به سیستم طراحی شده، به نظر می رسد که در صورت نظارت دقیق و توجه بخش خصوصی، این مدل بتواند بخش عمده‌ای از مشکلات استان ها را از نظر بیکاری رفع کند و باعث ایجاد اشتغال پایدار شود.

پیشینه و ادبیات تحقیق

در اوایل سده شانزدهم میلادی، به کسانی که در کار مأموریت نظامی بودند، کارآفرین می گفتند و پس از آن برای کسانی که در کارهای پرخطر دیگر نیز مشغول به کار بودند، همین واژه البته با محدودیت هایی بکار می رفت. تقریباً از سال ۱۷۰۰ میلادی به بعد، لفظ کارآفرین را برای پیمانکاران دولت که دست اندر کار امور عمرانی بودند، بکار بردند. سپس کارآفرینی به تدریج مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و همه مکاتب اقتصادی از قرن شانزدهم تاکنون، به نحوی کارآفرینی را در نظریه های خود تشریح کرده اند.

نظریه توسعه اقتصادی ژوزف شومپتر در خصوص نقش محوری کارآفرینان در ایجاد سود، در سال ۱۹۳۴ که همزمان با دوران رکود بزرگ اقتصادی بود، مورد توجه قرار گرفت و به همین دلیل، لقب "پدر کارآفرینی" به وی اعطا گردید. از نظر ژوزف شومپتر، کارآفرین، نیروی محرکه اصلی در توسعه اقتصادی است و نقش کارآفرینی عبارت است از "نوآوری با ایجاد ترکیب های تازه از مواد".

کارآفرینی از سوی روانشناسان و جامعه شناسان، با درک نقش کارآفرینان در اقتصاد و به منظور شناسایی ویژگی ها و الگوهای رفتاری آنها با بررسی و تحقیق در خصوص آنان مورد توجه قرار گرفته است. جامعه شناسان، کارآفرینی را به عنوان یک پدیده اجتماعی در نظر گرفته اند و به بررسی رابطه متقابل بین کارآفرینان و سایر قسمت ها و گروه های جامعه پرداخته اند. دانشمندان مدیریت هم به تشریح مدیریت کارآفرینی و ایجاد جو و محیط کارآفرینانه در سازمان ها پرداخته اند.

سابقه کارآفرینی در ایران

با وجود اینکه در کشورهای پیشرفته دنیا از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد به موضوع کارآفرینی توجه جدی شده و حتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه هم از اواخر دهه ۱۹۸۰ این موضوع مورد توجه قرار گرفته است، اما متأسفانه

در کشور ما تا شروع اجرای برنامه سوم توسعه، توجه چندانی به کارآفرینی نشده بود، حتی در محافل علمی و دانشگاهی نیز به جز موارد بسیار نادر، فعالیتی در این زمینه صورت نگرفته بود. سرانجام مشکل بیکاری و پیش بینی حادث تر شدن آن در دهه ۱۳۸۰ موجب شد که در زمان تدوین برنامه سوم توسعه، موضوع توسعه کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد و بدین ترتیب، توسعه کارآفرینی در سطح وزارتخانه های علوم و تحقیقات و فناوری، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی، صنایع و معادن و همچنین مؤسسه جهاد دانشگاهی به دلیل ارتباط با فعالیت های آنها، مطرح شده است.

متأسفانه واژه کارآفرینی که ترجمه ای از کلمه لاتین Entrepreneurship است، موجب گردیده است که معنی ایجاد کار و یا اشتغالزایی از این واژه برداشت شود، در حالی که این برداشت ناصحیح از این مفهوم و همچنین تورم نیروی انسانی بیکار در جامعه (به ویژه در بین دانش آموختگان دانشگاهی) موجب شده است تا بسیاری از سیاست های که برای توسعه آن اتخاذ گردیده و نیز در بخشنامه ها و سخنرانی های مسؤولان در این خصوص، صرفاً جنبه اشتغالزایی برای آن در نظر گرفته شود، در حالی که کارآفرینی دارای پیامدهای مثبت و مهم دیگری همانند: بارور شدن خلاقیت ها، ترغیب به نوآوری و توسعه آن، افزایش اعتماد به نفس، ایجاد و توسعه تکنولوژی، تولید ثروت در جامعه و افزایش رفاه عمومی است و اگر فقط به جنبه اشتغالزایی آن توجه شود، از سایر پیامدهای آن بی بهره خواهیم ماند.

سابقه کارآفرینی در دانشگاه ها

آموزش کارآفرینی، امروزه در کشورهای صنعتی و فرصت‌محلی بخش قابل توجهی از برنامه های آموزشی دانشگاه ها

هیچگاه آرمان های اشتغالزایی مبتنی بر بخش خصوصی، تحقق نیافته و همواره بخش دولتی به صورت یک رقیب قدرتمند، مانع از تحقق کامل آن شده است.



را به خود اختصاص داده است. در ایالات متحده، بیش از ۵۰ دانشگاه (۲۲ دانشگاه در بالاتر از پنج رشته تحصیلی)، آلمان ۴۲ دانشگاه، سوئد هشت دانشگاه، ایتالیا پنج دانشگاه، فنلاند شش دانشگاه، اتریش هفت دانشگاه، مالزی چهار دانشگاه، مجارستان هفت و در تایوان و بنگلادش و اندونزی هم حداقل دو دانشگاه، کارآفرینی را تدریس می کنند. در ایران نیز طی سال های اخیر در حدود ۱۲ مرکز کارآفرینی، کار خود را در دانشگاه های کشور آغاز کرده اند و مسؤولیت تحقیق و آموزش در این زمینه را برعهده دارند.

در واقع، شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور در سال های اخیر موجب گردیده است که در برنامه سوم توسعه، به کارآفرینی، خصوصاً در ابعاد پژوهشی و آموزشی و پرورش کارآفرینان، توجه شود و اعتباراتی نیز در این راستا پیش بینی گردد. علاوه بر آن، منابع اعتباری برای پژوهش، اشاعه فرهنگ کارآفرینی و نیز برنامه ریزی و حمایت از کارآفرینان توسط دستگاه های اجرایی مختلف (ستادی، صنعتی، کشاورزی و ...) در نظر گرفته شده است.

بر اساس برنامه سوم توسعه، طرحی تحت عنوان "طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه های کشور" که به اختصار (کاراد) نام گرفت، تدوین شد و اجرای آن با نظر سازمان مدیریت و برنامه ریزی و وزارت علوم و تحقیقات و فناوری در دوازده دانشگاه کشور شروع شد، و مسؤولیت پیگیری اجرا و امور ستادی آن هم از سوی وزارت علوم در اواخر سال ۱۳۷۹ به سازمان سنجش آموزش کشور واگذار گردید.

نگاهی اجمالی به کارآفرینی در بعضی از کشورهای پیشرفته

نخستین کشورهایی که در این زمینه کار کردند و به ترتیب قدم جلو گذاشته اند، آلمان، انگلیس و آمریکا بوده اند. در آلمان در سال های ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۵ مطالعه و شناسایی بر روی افراد جسور و نوآور و افراد با انگیزه ای که اتفاقاً دارای محدودیت های شدید مالی بودند، آغاز شد. اولین سیاست ها در این زمینه، سیاست های حمایتی از این افراد بود. به همین منظور، اولین آموزشکده برای تربیت این افراد در آن سال ها در این کشور ایجاد شد. این آموزشکده ها بین سال های ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۰ در انگلیس و سپس کمی دیرتر، یعنی در میان سال های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۳ در آمریکا دایر شدند. افراد در این دانشکده ها در دوره های کوتاه مدت آموزش های لازم را برای شروع کارهای اقتصادی طی می کردند و یکی از این مباحث هم این بود که چگونه اقتصاد از طریق توسعه کارآفرینی رشد یابد. افراد در این آموزشکده ها مسایل خود را می گفتند و تعدادی روانشناس، رفتارشناس، جامعه شناس و استاد مدیریت به اندیشه این افراد جهت می دادند.

در اواخر دهه ۵۰ میلادی، اولین کشوری که در این زمینه به طور کامل کلاسیک کار کرد و ترویج فرهنگ کارآفرینی را از سطح دبیرستان آغاز نمود، کشور ژاپن بود. سپس نخستین مؤسسه در توکیو در سال ۱۹۵۶ میلادی آغاز به کار کرد. در سال ۱۹۵۸ آموزش و پرورش ژاپن دست به کار شد و با پیاده کردن یک



بیش از ۹۶ درصد اختراعات و نوآوری ها در آمریکا مربوط به کارآفرینان و واحدهای صنعتی کوچک و متوسط است.

طرح، توانست در حین تحصیل به دانش آموزان خود آموزش دهد که چگونه به دنبال کسب سود باشند. آنگاه مسأله کارآفرینی به سطح دانشگاه های ژاپن هم کشیده شد، به طوری که اکنون در ژاپن مؤسسه بزرگ کارآفرینان وجود دارد. آمارهای حاصل شده در این زمینه حایز توجه است: بین سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ میلادی بیش از ۹۶ درصد نوآوری های صنعتی که توانست موقعیت ژاپن را در اقتصاد جهانی به یک موقعیت برجسته و برتر تبدیل کند، توسط کارآفرینان صورت گرفت. البته سیاستگذاری ها و حمایت های دولت در این زمینه نیز نقش مهمی را برعهده داشت. در قالب این رویکرد، کارآفرین ها مورد تشویق قرار گرفتند و اختراعات و ابتکارات آنها با نام خودشان ثبت می شد و ایشان را به عنوان "قهرمان ملی" معرفی می کردند. هنوز هم در کشور ژاپن شرکت های بزرگی همانند میتسوبیشی و چند شرکت دیگر، افرادی را استخدام می کنند که بدون داشتن هیچ گونه پست سازمانی، در داخل اتاق هایی می نشینند و در زمینه نوآوری کار می کنند و علاوه بر حقوق ماهانه، قرارداد نوآوری از آنها توسط صاحب شرکت خریداری می شود.

آماري که از کشور آمریکا در دست است، اشاره دارد بر این که بیش از ۹۶ درصد از اختراعات و نوآوری ها، توسط کارآفرینان واحدهای صنعتی کوچک و متوسط انجام شده است. لازم به ذکر است که از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۸ تعداد ۱۳۰ دانشکده کارآفرینی



در آمریکا ایجاد شده است. براساس این آمار، در سال ۱۹۸۵ تعداد ۲۵۳ دانشکده کارآفرینی در دو گرایش ایجاد شده که تعداد ۲۱۲ گرایش در دانشکده‌های بازرگانی و تعداد ۴۱ گرایش در دانشکده‌های رشته مهندسی است. در سال ۱۹۹۰ این شتاب خیلی بیشتر شد و تعداد دانشکده‌های کارآفرینی به بیش از ۵۰۰ واحد رسید. نام پارهای از این دوره‌ها که در این دانشکده‌ها مورد تدریس قرار می‌گیرند، عبارتند از: اندیشه‌سازی، مدیریت نوآوری، ارزشیابی و تحلیل امکان‌سنجی و تأمین مالی شرکت‌های نوپا که موضوع بسیار مهمی است. این گونه توسعه کارآفرینی را در یک کشور بسیار فقیر و بدون منابعی همچون هندوستان نیز می‌توان مشاهده کرد، به طوری که بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰، یعنی ظرف مدت ۲۰ سال، پانصد مؤسسه ترویج کارآفرینی شروع به کار کردند تا کارآفرینان مجرب بتوانند نوآوری‌های صنعتی ایجاد کنند و با تأمین نیازهای اساسی مردم، باعث جلوگیری از مهاجرت روستاییان و حاشیه‌نشینان به شهرها شوند.

کارآفرینی در ایران

متأسفانه ما در کشور - چه در سطح سیاست‌گذاری و چه در قلمرو پژوهشی و آموزشی - کار منظم و حساب شده‌ای در زمینه کارآفرینی انجام نداده ایم. ایده طرح‌های زودبازده اشتغال‌زا هم پس از روی کار آمدن دولت نهم در سال ۸۴ به دلیل وجود جمعیت جوان تحصیل کرده جویای کار و همچنین نیروی کار عظیمی که به خاطر محدودیت‌های موجود بیکار مانده بودند، برای ساماندهی به این بخش از جامعه کشور مان به وجود آمد. لذا برای انجام این مهم، همچون هر طرح دیگری، به منابع مالی نیاز بود و این مهم به عهده سیستم بانکی گذاشته شد تا از محل منابعی که دولت در اختیارشان قرار می‌داد و همچنین منابع مالی آن بانک‌ها به صورت تکلیفی در اختیار این طرح‌ها قرار گیرد، لذا این گونه طرح‌ها در قدم اول به صورت نگاه‌های زودبازده برای تصویب به کار گروه اشتغال شهرستان‌ها و سپس استان‌ها فرستاده می‌شدند و بعد از آن، جهت پرداخت تسهیلات به یکی از بانک‌های عامل مراجعه می‌کردند و یکی از این بانک‌ها هم بانک کشاورزی بود که بانک تخصصی زیربخش کشاورزی و عامل پرداخت این گونه تسهیلات در این بخش می‌باشد. لذا طرح‌های زودبازده‌ای که زیربخش کشاورزی بودند و به تصویب کار گروه اشتغال می‌رسیدند، به این بانک ارجاع می‌گردیدند و این بانک نیز پس از بررسی‌های تخصصی، تسهیلات مورد نیاز را در اختیار این بخش قرار می‌داد تا به اجرای طرح‌های خود بپردازند.

حال پس از گذشت چند سال از شروع این طرح و با توجه به اینکه طرح‌هایی هم که جهت بازدهی به زمان احتیاج داشته‌اند، قاعدتاً در حال حاضر به بهره برداری رسیده‌اند، می‌بایست باز خوردی از انجام این طرح‌ها صورت گیرد.

شرایط پرداخت تسهیلات طرح‌های زودبازده

ارایه طرح به کار گروه اشتغال فرمانداری: در این حالت، متقاضیان، طرح خود را به کار گروه اشتغال فرمانداری ارایه

نموده و پس از بررسی توجیه اقتصادی این طرح‌ها، توسط کارشناسان مستقر در فرمانداری به تأیید می‌رسند.

ارسال طرح به کار گروه اشتغال استانداری: پس از تأیید طرح‌ها از طرف فرمانداری، طرح‌ها برای تأیید نهایی و معرفی به بانک‌های عامل، به کار گروه اشتغال استانداری ارسال می‌شوند و پس از کارشناسی این طرح‌ها توسط کارشناسان اشتغال مستقر در استانداری، به تأیید نهایی می‌رسند و برای دریافت تسهیلات به یکی از بانک‌های عامل ارسال می‌گردند.

ارسال طرح به بانک کشاورزی شهرستان: پس از تأمین اعتبار طرح‌ها توسط مدیریت شعب بانک در استان، این طرح‌ها برای دریافت تسهیلات به بانک کشاورزی شهرستان ارسال می‌گردند. در این زمان، کارشناسان و ارزیابان اعتبارات بانک پس از بررسی طرح، از محل اجرای طرح بازدید می‌نمودند و پس از طی مراحل قانونی و گرفتن ضمانت‌ها و وثایق لازم، تسهیلات طی چند قسط و با توجه به پیشرفت کار با گزارش کارشناسان اعتبارات به متقاضیان پرداخت می‌گردید و تا زمانی که این طرح‌ها به ثمر می‌رسیدند، اصطلاحاً در دوره تنفس بودند. این دوره بستگی به نظر کارشناسان اعتبارات بانک داشت و پس از به ثمر رسیدن طرح، تسهیلات به صورت اقساط سالانه تقسیط و از متقاضیان دریافت می‌شود.

بررسی سیاست‌های اشتغالی و آیین‌نامه اجرایی مشاغل زودبازده

بازار کار به دلیل بعد انسانی و منحصر به فردش، یکی از بازارهای مهم در اقتصاد به شمار می‌رود. این بازار همانند هر بازار دیگری، از عرضه و تقاضا تشکیل شده است. عرضه نیروی کار تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله عوامل جمعیتی مثل نرخ رشد جمعیت و متغیرهای درون‌زا مثل نرخ بیکاری،

تشدید مشکل بیکاری و پیش‌بینی حادث شدن آن در دهه ۱۳۸۰ موجب شد که در زمان تدوین برنامه سوم توسعه، موضوع کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد.

پوشش تحصیلی، درصد جمعیت دارای تحصیلات عالی، نرخ دستمزد واقعی و اسمی قرار گرفته است. تقاضای نیروی کار عبارت است از رابطه‌ای که بین نرخ دستمزد و میزان اشتغال وجود دارد و نشان می‌دهد که کارفرمایان در نرخ و فرد معین مایل اند چه تعداد نیروی کار را استخدام نمایند.

به طور کلی، تقاضای نیروی کار تابعی از سطح تولید و قیمت‌های عوامل تولید است و به دلیل عدم تطابق بین عرضه و تقاضای نیروی کار و مشکلات ناشی از آن مانند افزایش سطح بیکاری که مستقیماً عواقب آن به دولت‌ها برمی‌گشت، سیاستمداران بر آن شدند تا یک سری برنامه‌ها و سیاست‌های خاص را در نظر بگیرند و اجرا کنند تا بتوانند نرخ بیکاری را کنترل کنند. لذا سیاست‌ها و برنامه‌های بازار کار از سال ۱۹۶۰ به بعد به صورت هدفمند و سازماندهی شده پایدار گشت.

هدف از این برنامه‌ها، افزایش عرضه نیروی کار با افزایش حقوق و برنامه‌های مربوط به بهبود تطابق هر دو طرف کارفرما و کارگر و نیز افزایش درآمد و شغل و تولید است. از انواع برنامه‌های مهم بازار کار می‌توان به خدمات استخدامی و کمک به مشاغل تحقیقاتی و افزایش حمایت از خود اشتغالی اشاره کرد و نیز کمک‌هایی در جهت انجام سریع تحقیقات در مورد شغل مورد نظر می‌تواند به کاهش طول دوره بیکاری منجر شود و همین‌طور کمک به نقل و انتقال کارگران در بیکاری‌های طولانی به همراه افزایش مهارت‌ها.

انواع سیاست‌های بازار کار را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

اول: سیاست‌های فعال بازار کار که شامل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و آرایه مشاوره به نیروی کار و اطلاع‌رسانی به نیروی کار است.

دوم: سیاست‌های فعال مستقیم بازار کار که همان پرداخت یارانه به دستمزدها و کارفرمایان بخش خصوصی و عمومی برای به کارگیری و نگهداری نیروی کار است.

سوم: سیاست‌های منفعل است که به طور مستقیم برای بهبود زندگی بیکاران، پول پرداخت می‌شود، همانند بازنشستگی زودرس و بیمه بیکاری.

با توجه به مطالب عنوان شده، تحقیقی به صورت توصیفی از نوع همبستگی و پیمایشی پیرامون طرح‌های زودبازده بانک کشاورزی در رابطه با اشتغال زایی در بین کارآفرینانی که با این بانک در ارتباط بوده‌اند، صورت پذیرفته که به نتایج آن در ادامه اشاره خواهد شد.

نتایج تحقیق

- با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، مشخص گردید که بین تسهیلات زودبازده و اشتغال زایی رابطه معناداری وجود ندارد. این امر هم از نظر کارآفرینان و هم از نظر کارکنان اداره کار تأیید شده است.

- در مورد این سؤال که آیا طرح‌های زودبازده بانک کشاورزی دارای توجیه اقتصادی هستند یا نه؟ دیدگاه کارآفرینان با کارکنان اداره کار متفاوت می‌باشد. از نظر

کارآفرینان، طرح‌های زودبازده بانک کشاورزی توجیه اقتصادی داشته‌اند، حال آنکه از دیدگاه کارکنان اداره کار، طرح‌های زودبازده بانک کشاورزی توجیه اقتصادی نداشته‌اند. براساس این یافته‌ها نیز می‌توان دریافت که هر دو گروه پاسخ‌های خود را براساس معیارهایی که برای خود ترسیم نموده بودند، آرایه داده‌اند، لذا نه می‌توان براساس دیدگاه کارآفرینان این فرضیه را قبول نمود و نه می‌توان براساس دیدگاه کارکنان اداره کار آن را رد کرد.

شایان ذکر است که نتایج و یافته‌های آماری و اطلاعاتی از بنگاه‌های زودبازده، با اشکالاتی روبه‌رو است و این‌گونه طرح‌های پژوهشی و آماری اصولاً در حین اجرا نمی‌توانند برخی از حوزه‌های چالش‌زیر را پاسخگو باشند:

- احتمال دارد که متقاضیان بعد از دریافت تسهیلات، بخشی را در بنگاه و بخش دیگری را در حوزه‌هایی خارج از اهداف طرح مصوب هزینه کرده باشند. دیدن اسناد و مدارک آن هم توسط پرسشگران نمی‌تواند استنادی معتبر برای حصول اطمینان باشد.

- در بسیاری از موارد، تشخیص و شناسایی بسیاری از دستگاه‌های فنی و مهندسی و تخصصی، به ویژه ماشین‌آلات

نظریات کارآفرینان
و کارکنان اداره کار
نشان می‌دهد که بین
تسهیلات اعطایی به
طرح‌های زودبازده
و اشتغال‌زایی،
رابطه معنی‌داری
وجود ندارد.





**بیشتر مدیران
بنگاه‌های زودبازده
از شدت و کثرت
مراجعه پرسشگران از
نهادهای مختلف، ابراز
خستگی و ناراضی‌ت
می‌کنند.**

خستگی و ناراضی‌ت کرده‌اند و عدم آرایه مدارک را با بهانه نبودن مدیران یا کارفرمایان بنگاه یا جدا بودن دفتر ستادی بنگاه‌ها در مکانی دورتر از محل تولید کالا و خدمات، توجیه کرده‌اند. مجموعه عوامل یاد شده که صرفاً گوشه‌ای از آن‌ها بیان شد، معرف این حقیقت است که این گونه طرح‌های پژوهشی، متدلوژی تحقیق ویژه‌ای را جهت ارزیابی دقیق‌تر طلب می‌کنند تا در طرح‌های پژوهشی آینده مستلزم بازنگری دقیق‌تری باشند.

در پایان با توجه به نتایج دو نکته قابل توجه است:
- سیاست تشکیل بنگاه‌های زودبازده مورد تأکید است، اما با توجه به آسیب‌های پیش روی این طرح بدون ایجاد نظام‌های ساختارمند، اتصال رابطه بنگاه‌های بالادستی با بنگاه‌های پایین دستی، تربیت مدیران ماهر، استقرار سیستم‌های اطلاعاتی مناسب، افزایش دانش اقتصادی، ایجاد بسترهای قانونی، تزیق اعتبارات به بنگاه‌های فعال و جدید، زمینه تحقق اهداف اشتغال پایدار فراهم نخواهد شد، ضمن اینکه آثار آن نیز در حاله‌ای از ابهام قرار داد و بعضاً زمینه افزایش نقدینگی و جابه‌جایی اعتبارات از نظام پولی و بانکی به بخش‌های کاذب را فراهم خواهد کرد.

- با عنایت به این که منابع و یافته‌های آماری و اطلاعاتی از بنگاه‌های زودبازده - چه در سطح کلان و چه در سطح خرد - با ابهامات ویژه‌ای روبه‌رو است، لذا نظارت برای حصول اطمینان از تحقق اهداف طرح از طریق آمارگیری و روش‌های فعلی پاسخگو نیست و باید روش‌های دیگری را برای نظارت طراحی و اجرا نمود.

* توضیح: با توجه به این که این گونه موضوعات نوپا بوده و ظاهراً تاکنون هیچ گونه کتابی هم در این رابطه نوشته نشده، لذا برای به دست آوردن اطلاعات از سایت‌های خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها و سایت‌های سازمان‌ها، نهادها و وزارتخانه‌ها استفاده شده است.

کشاورزی، ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی و مهندسی، برای پرسشگران امکان ندارد. در این حالت، دیدن فاکتورها و اسناد و مدارک به لحاظ عدم آشنایی با نام و عملکرد این دستگاه‌ها، نمی‌تواند شبهه انحراف منابع مالی (تسهیلات) را برطرف سازد. از طرف دیگر، همراهی کارشناسان متخصص در هر حوزه فعالیت به همراه پرسشگران مقدور نیست.

- در تسهیلات سرمایه در گردش و سرمایه ثابت، امکان مطابقت اسناد و فاکتورها در بنگاه‌های دریافت‌کننده تسهیلات سرمایه در گردش با آن چه تسهیلات را مصرف آن کرده‌اند، وجود ندارد. به عنوان مثال، تسهیلاتی که برخی از بنگاه‌های کشاورزی بابت پرواربندی، خرید علوفه، خرید دام و نظایر آنها دریافت کرده‌اند، با توجه به مصرف علوفه، فروش دام و امثال این‌ها، امکان رؤیت موارد کاربرد را کاهش می‌دهد، لذا مطابقت فاکتورها و اسناد آرایه شده با شواهد موجود میسر نیست.

- احتمال استفاده از اسناد جعلی و فاکتورسازی (مانند فاکتورهای پیش‌خرید) از سوی تعداد قابل توجهی از کارفرمایان را نیز نمی‌توان کتمان کرد.

- میزان اشتغال موجود و اشتغال ایجاد شده، در زمره مواردی است که متکی بر اظهارات کارفرمایان یا مدیران بنگاه‌هاست و طبعاً در این مورد پرسشگران به انجام سرشماری مبادرت نمی‌کنند. معمولاً کارفرمایان برای توجیه اشتغال زایی تسهیلات دریافتی، علاوه بر فهرست بیمه‌شدگان، آماری از شاغلان غیربیمه‌ای را نیز آرایه می‌کنند و چون پرسشگران، مأمور سرشماری نیستند، لذا صحت و سقم آمارهای آرایه شده (غیر از بیمه‌شدگان) جای تردید دارد.

- براساس اطلاعات به دست آمده از بنگاه‌های زودبازده، بیشتر مدیران این بنگاه‌ها، از شدت و کثرت مراجعه پرسشگران از نهادهای مختلف - اعم از دستگاه‌های اجرایی تولیدی و خدماتی ذیربط، استانداری‌ها و ادارات کار و امور اجتماعی و امثال آن‌ها - و نشان دادن اسناد و مدارک به دفعات متعدد ابراز

برگه اشتراک

تاریخ

نام و نام خانوادگی مشترک :

سن : تحصیلات : شغل :

شماره های درخواستی : از شماره تا شماره

نشانی پستی :

شماره تلفن تماس:

مشترک گرامی

*هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۶۰۰۰۰ ریال و برای یک سال ۱۲۰۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:

تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۱ / صندوق پستی: تهران ۵۵۴۸ - ۱۴۱۵۵